

میزان سازگاری عنوانهای کتابهای فارسی در حوزه علوم اسلامی با موضوعات آنها

اثر: دکتر اشرف السادات بزرگی*

چکیده:

یکی از آرمانهای کتابداران، همواره سرعت و دقت در سازماندهی اطلاعات بوده که برای دستیابی به این هدف به جستجوی راههای جدید پرداخته‌اند. یکی از روشهای سودمند که صرفه اقتصادی را نیز مدنظر دارد، استفاده از کلیدواژه‌های عنوان به جای توصیفگرهای موضوعی است. در تحقیق حاضر، کتابهای اسلامی منتشره در ایران با این نگرش مورد توجه قرار گرفته‌اند که آیا با دانستن عنوان این گونه کتابها می‌توان به موضوع آنها پی برد؟ و آیا میان واژه‌های مندرج در عنوان کتابهای اسلامی با موضوع آنها سازگاری برقرار است؟ براساس این تحقیق مشخص شد به طور میانگین ۴۰ درصد عنوانها از سازگاری کامل با موضوع برخوردارند که این میزان با کاربرد صحیح ابزار کتابداری و منابع اطلاعاتی به ۷۴ درصد بالغ گشته است. مطابق این یافته‌ها، سازگارترین عنوانها در متون تاریخ و جغرافیای اسلام، و ناسازگارترین آنها در متون آداب و رسوم اسلامی قرار داشته‌اند. ضمن تحقیق همچنین معلوم شد که وجود بخشهای توضیحی عنوان نظیر عنوان فرعی، عنوان روی جلد و برابر تأثیر بسزایی در میزان سازگاری عنوان و موضوع دارد و نیز ارتباط عنوان و موضوع از طریق تدابیر متداول در تعیین موضوع، مانند: ارجاعات «نگاه کنید به...» «نیز نگاه کنید به» و ارجاعهای کلی تسهیل گشته و به طور نسبی مجاری فوق به میزان ۳۴ درصد در سازگاری نقش داشته‌اند.

* عضو هیأت علمی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

از روزگاران بسیار پیشتر بنابه ضرورت و احساس نیاز آحاد مردم، نهادی اجتماعی با نام کتابخانه ایجاد گشت، که جزء لاینفک بقای جامعه به شمار می‌رود. اگر اجتماع به کارکردهای خاص کتابخانه وابسته نمی‌بود، کتابخانه از میان می‌رفت. بنابراین حمایتی که اجتماع از کتابخانه به عمل می‌آورد از نیاز خاص درونی جامعه نشأت گرفته است^(۱) زیرا که کتابخانه قادر است آنچه را او می‌جوید ارائه نماید. از دیرباز برای کتابخانه سه نقش عمده فراهم‌آوری، سازماندهی و اشاعه اطلاعات را بر شمرده‌اند و اطلاع‌رسانی را حوزه‌ای توصیف کرده‌اند که به «مناسب‌سازی» اشاعه اطلاعات می‌پردازد. «مناسب‌سازی» شامل کلیه فرایندهایی است که سبب می‌شود اطلاعات به گونه‌ای قابل استفاده در دسترس جوینده قرار گیرد. در این تعریف فرایند مناسب‌سازی از لحاظ معناشناختی فرایندی ارتباطی است، زیرا اطلاع‌رسانی در واقع می‌کوشد مضمونی را که پدیدآورنده ارائه کرده است به گونه‌ای درخور و مناسب برای استفاده تبدیل کند و در این فرایند می‌تواند از کلیه تمهیدات بهره‌مند شود. در روند فوق آنچه اهمیت دارد میزان توفیقی است که در امر انتقال اندیشه از مبداء به مقصد حاصل می‌شود. آنچه وارد سیستم کتابخانه می‌شود تجلّی دانش افرادی است که آنها را نویسنده یا پدیدآورنده می‌خوانیم. در سوی دیگر جویندگانی هستند که اطلاعاتی را برای ساخت دانش خود جستجو می‌کنند، ساخت دانش این دو گروه الزاماً با هم یکی نیست پس فرایند مناسب‌سازی چگونه صورت می‌گیرد؟ چگونه می‌توان دروندادی را برای جستجویی که نمی‌دانیم چیست به صورت بروندادی مناسب تبدیل کرد؟^(۲) با توجه به این مسائل است که در فرایند اطلاع‌رسانی سعی می‌شود با بکارگیری روشهای جدید موانع احتمالی محتوایی و فنی کاهش داده شود.

همانگونه که یاد شد یکی از فعالیتهای عمده هر کتابخانه به فراهم‌آوری منابع اختصاص می‌یابد اما همزمان با این عمل بایستی تمهیداتی نیز جهت دسترس‌پذیری آنها فراهم ساخت و گرنه بودجه‌ای که صرف گردآوری آن منابع شده به هدر می‌رود. مراحل تولید اطلاعات کتابشناختی در چرخه‌ای انجام

می شود که بر آن محدودیتهای اقتصادی و زمانی حاکم است و لازم است که آثار این محدودیتها مد نظر باشند: محدودیت مالی ناظر بر فرایند فوق رده بندی موضوعی مشروح و عمیق را تحت تأثیر قرار داده است. از جانب دیگر براساس مطالعات انجام شده، هر فهرستنویس بایستی مدارک بیشماری را در طول سال فهرستنویسی نماید، تولید بیشتر به وقت و مهارت بیشتر نیاز دارد و تولید کمتر نیز از نظر اقتصادی به صرفه نیست^(۳). به حداقل رساندن مواد فهرست نشده همواره یکی از نکات مورد بحث بوده و کسب میزان مطلوب فهرستنویسی با صرف حداقل زمان و هزینه از اصول اساسی است.

تحلیل موضوعی

به دلیل آنکه بازایی اطلاعات مبتنی بر دیدگاه آموزشی نبوده و از نگرش سیستمی بهره می برد، کاوشگر اطلاعات کلمات بکار رفته در عنوان مدرک را به صورت مجزا دیده و آنها را به مثابه توصیفگر و نشانه های کلیدی برای نمایه سازی موضوعی به کار می برد. ویکری تشخیص و توصیف موضوعی مدارک را به سه مرحله تقسیم می کند: الف. توصیف موضوع با بررسی متن و انتخاب تعدادی کلمه، عبارت یا جمله که به صورت جمعی مبین موضوع هستند. ب. تصمیم در این خصوص که کدام یک از این توصیفهای موضوعی ارزش حفظ و ذکر در بازایی را دارند. ج. تبدیل توصیفهای موضوعی مرتبط به توصیفگرهای استاندارد و مطابق با زبان سیستم. مطابق این گفتار که به خوبی روند تعیین سرعنوان موضوعی را در هر دو نظام دستی و ماشینی بیان کرده، این فرایند عبارت است از تطبیق دادن موضوع مدرکی خاص با ساختار زبانی نظامی که در بازایی مورد استفاده واقع می شود^(۴).

تشخیص واژه های موضوعی یا به عبارت دیگر، تحلیل موضوعی - با وجود بکارگیری نظامهای کامپیوتری - هنوز برعهده انسان است. روشهای کامپیوتری در این زمینه چند گونه طراحی شده اند. در یک نوع آن واژه های موجود در مدرک با فهرست واژگانی که از پیش تعیین شده تطبیق داده می شود. در نوع دیگر میزان و

تعداد دفعات حضور یک واژه مبنای گزینش آن قرار می‌گیرد. اما اغلب تحلیل مدرک و تشخیص موضوع آن را انسان انجام می‌دهد، گاهی این تحلیل توسط نویسنده صورت پذیرفته و موضوع مدرک در عنوان آن نمایان است^(۵).

کاربرد ماشین در فهرستنویسی موضوعی به لحاظ صرفه اقتصادی آن همواره مد نظر بوده است. داده‌های مبنا و دسترس پذیر برای این روش: عنوان، عنوان فرعی و اطلاعات فهرستنویسی پیش از انتشار هستند. علی‌رغم اینکه عنوان مهمتر از سایر عناصر است اما همیشه موضوع را به خوبی بیان نمی‌کند. در نوشته‌های عامه‌پسند ممکن است عنوان به جای دقیق بودن بر جذاب بودن تأکید داشته باشد. استفاده از عنوان در تعیین موضوعها توسط ماشین گرچه از نظر زمان مورد نیاز جهت انجام کار به صرفه است اما خطاهایی نیز در بردارد^(۶).

منابع اطلاعاتی مدرک

مطابق معیارهای سازمان بین‌المللی استاندارد^(۷) خواندن متون به طور کامل جهت نمایه‌سازی، غیرعملی و در برخی موارد غیرضروری است. این سازمان سیاهه‌ای از بخشهای اساسی متن را ارائه می‌کند که بایستی جهت نمایه‌سازی و تحلیل موضوعی مورد مذاقه قرار گیرند: عنوان، چکیده (در صورت وجود)، فهرست مندرجات، مقدمه ... در این فهرست جای گرفته است. اشاره شده که معمولاً نقطه نظرات نویسنده در بخشهای مقدماتی اثر ذکر می‌شود گرچه هشدار می‌دهد که نیز در خصوص احتمال گمراه‌کنندگی عنوان و عدم کفایت چکیده داده شده است اما منابع بسیاری روش فوق را به لحاظ سرعت عمل آن تأیید می‌کنند^(۸).

دانشمندان و نویسندگان جهت برقراری ارتباط روشهای گوناگونی بکار می‌برند منجمله اینکه مقالات دیگران را در روزنامه‌ها، مجلات، گزارش کنفرانسها، می‌خوانند و یا توسط نمایه‌نامه‌ها، چکیده‌نامه‌ها و کتابشناسیهای گزارمانی از آنها باخبر می‌شوند. در این منابع چکیده‌ها یا عنوانهای مقالات جهت بازیابی استفاده‌کنندگان با نظم خاصی مرتب می‌شود. تمام این مبادله اطلاعات برحسب وجود عنوان ممکن است. مرتبط کردن عنوانها در یک شبکه یا در گروههای فرعی

هدف اصلی تحقیق در کتابخانه است، اندیشه‌ها و عقاید از طریق عنوان در ورای زمان، مکان و نسلها جریان می‌یابند^(۹).

عنوان

برخی از محققین اعتقاد دارند تعداد خیلی از مقالات از ابتدا تا انتها خوانده می‌شوند. اغلب مردم اگر عنوان جذابی توجهشان را جلب کند به سراغ دیگر بخشهای مقاله می‌روند. در تهیه چکیده نامه‌ها و اطلاع‌رسانی از آنها عنوان مقاله اهمیت بسزایی دارد. بنابراین: عنوان توجه متخصصان و خوانندگان را جلب می‌کند. عنوان مقاله اگرچه از نظر ظاهری حجم بسیار کمی را به خود اختصاص می‌دهد اما از نظر جلب توجه خوانندگان در فهرستهای موضوعی و چکیده‌نامه‌ها فوق‌العاده اهمیت دارد^(۱۰).

عنوان به طور معمول بخشی از فهرست توصیفی تلقی می‌شود در حالیکه اگر در بازیابی اطلاعات کلمات عنوان نیز در جستجوی موضوعی بکار گرفته شوند توانایی پاسخگویی نظام بسیار افزایش می‌یابد.

جستجو با یک یا دو واژه عنوان موجب بازیابی عنوانهایی با آن کلمات می‌شود و در واقع به طریقی جستجوی موضوعی را تقویت می‌کند. و در زمانهایی که جستجوکننده با روش جستجوی سرعنوان موضوعی آشنا نیست گاه جستجوی عنوان جایگزین می‌شود.

تحقیقات نشان می‌دهد که در نظامهای پیوسته میزان جستجو با کلید واژه عنوان درصد بیشتری را نسبت به جستجوی موضوعی دارد. یعنی افراد بیشتری ترجیح می‌دهند به جای جستجو با ساختار سرعنوان از طریق کلیدواژه‌های عنوان موضوع مورد نظر را جستجو کنند^(۱۱).

برخی نظامهای نمایه‌سازی از واژگان معیار به عنوان فهرستهای موضوعی استفاده می‌کنند اما برخی سیستمهای کامپیوتری همان کلمات موجود در متن را بکار می‌برند. اغلب نمایه‌سازان و تحلیل‌گران موضوعی کلمات، عبارات و جمله‌های مورد تأکید مؤلف را برای بیان موضوع بکار می‌برند این بخشها عموماً از

عنوان، فهرست مندرجات، مقدمه، خلاصه و نتیجه‌گیری به دست می‌آید. برخی سیستم‌های نمایه‌سازی جهت به حداقل رساندن مهارت و کوشش مورد نیاز، انتخاب واژه‌های موضوعی را فقط به عنوان اثر محدود کنند. عنوان می‌تواند کاملاً معرف موضوع باشد اما اغلب نقشی بیشتر از یک توصیفگر ساده جهت تعریف مدرک به عهده ندارد و در مورد مدارک فاقد عنوان، هم چون نسخه‌های خطی و اشعار معمولاً اولین خط مطالب آن اثر نقش عنوان را بازی می‌کند^(۱۲).

عنوانها در نقش حاملین اطلاعات هم در نمایه‌های مدارک، هم در کتابشناسیها و فهرست منابع اهمیت بسیاری دارند^(۱۳).

مسلماً عنوان یک اثر اهمیت خاصی در معرفی محتوای آن دارد. به طور کلی عنوان به صورتی انتخاب می‌شود که در عین به خاطرماندن، منحصر بفرد و خاص باشد. حفظ این کیفیت در تمام موارد آسان و ممکن نیست. برای اینکه عنوانی واضح و دقیق باشد گاه لازم است که قدری طولانی شود این خصیصه در عنوان مقالات مجلات اشکالی ایجاد نمی‌کند اما درج آن در عطف کتاب مسلماً با موانعی همراه است. هرچه که عنوان یک کتاب طولانی‌تر شود مسلماً سخت‌تر به خاطر سپرده می‌شود و در یادآوری آن احتمال خطا بیشتر می‌شود. واژه‌های علمی مبهم نیستند و عنوان کتابهای این زمینه مسایل اصلی را بازگو می‌کنند، اما در برخی موارد جنبه‌های تجربیدی نامها بیشتر از جنبه‌های واقعی آنهاست. افراد با توجه به تجربه خود در استفاده از کلمات و درکی که از مفید بودن آنها دارند اغلب به همراه توصیف کیفیتهای ضروری، کلماتی را که جنبه صفتی دارند بکار می‌برند و این وظیفه فهرستنویس است که عبارت ارائه شده توسط نویسنده را تفسیر نموده، کد رده‌بندی یا سرعنوان موضوعی مناسب آنرا انتخاب نماید. با این کار اثر فوق در قفسه کنار دیگر آثار هم موضوعش قرار داده می‌شود و توصیف کتابشناختی ارائه شده از آن، استفاده‌کننده را در تصمیم‌گیری برای انتخاب اثر مورد نیاز خود یاری می‌دهد^(۱۴).

در برخورد با فهرستبرگه کتابخانه نخستین جلوه‌ای از متن که با آن روبرو می‌شویم عنوان اثر است. اگر این جلوه‌ها به درستی فراهم شده باشد می‌توان گفت

که فهرست مندرجات جلوه‌ای از متن و عنوان جلوه‌ای از فهرست مندرجات است. بنابراین عنوان می‌بایست جامع و مانع باشد. چون ظرفی است که مظلوف آن اندیشه اصلی متن است این ظرف باید لبالب باشد. نه اینکه مظلوف تنها در گوشه‌ای از آن جای گیرد و نه از آن سرریز کند. گاه این ظرف و مظلوف با هم ناسازگارند، گاه عنوان، نقش اصلی خود را ایفا نمی‌کند و رساننده مباحث متن نیست^(۱۵).

عنوان مناسب به خواننده می‌گوید که مقاله درباره چه موضوعی بحث می‌کند. عنوان کوتاه، دقیق، روشن‌گر و عاری از لغات زاید حائز اهمیت است. نویسنده بایستی با استفاده از حداقل کلمات بیشترین اطلاعات را در اختیار خواننده قرار دهد و از عبارات غیرضروری که در ابتدای اغلب عناوین می‌آید پرهیز نماید^(۱۶).

از آنجا که عنوان کتاب نخستین برخورد نویسنده و خواننده است و نقشی تعیین‌کننده در واکنش‌های آینده دارد گزینش آن بسیار مهم است. عنوان کتاب در شهرت و جلب نظر و استقبال مردم از آن تأثیر انکارناپذیری دارد و عرضه کتاب تحت آن نام انجام می‌گیرد و در زیر عنوان است که معرفی و نقد و نقل از کتاب به صورت شفاهی و کتبی انجام می‌پذیرد^(۱۷).

سنن فرهنگی در بازشناسی کتاب از راه مؤلف یا عنوان عامل مهمی به‌شمار می‌رود در حالیکه غریبان کتاب را بیشتر به وسیله مؤلف آن می‌شناسند. در شرق اکثر کتابها با عناوین آنها شناخته شده‌اند. شاید بافت و ترکیب زبان یکی از علل ایجاد این سنت فرهنگی باشد مثلاً در زبان فارسی ابتدا عنوان و سپس نام مؤلف می‌آید مانند گلستان سعدی، رباعیات خیّام، قانون ابن سینا^(۱۸). این ترتیب در گزارش و نقد کتاب نیز عموماً رعایت می‌شود.

متکاف^(۱۹) عقیده دارد در بیشتر اوقات واژه‌ای که مبین موضوعی خاص است یا واژه‌ای که در زبان روزمره موضوع بدان نامیده می‌شود، در عنوان کتاب یافت می‌شود و نشاندهنده موضوع کتاب است^(۲۰).

در میان شیوه‌های تجزیه و تحلیل موضوعی شیوه واژه‌گزینی^(۲۱) از مهمترین آنهاست. در روش واژه‌گزینی تنها منبع انتخاب واژه‌های موضوعی عنوان متن است

گرچه در مواردی معدود عنوان، گویای موضوع اثر نیست اما در بیشتر مواقع مؤلف می‌کوشد تا موضوع و محتوای کتاب خود را در عنوان آن بنمایاند.^(۲۲) از جانب دیگر نقل قولی از پانیتسی^(۲۳) وجود دارد که می‌گوید: هیچگاه دو فهرست‌نویس در انتخاب موضوع برای یک کتاب همداستان نیستند، فقط واژه‌های منتخب از عنوان کتاب است که می‌تواند مانع عدم تجانس واژه‌های موضوعی بشود»^(۲۴).

در تاریخ اسلام و ایران نیز عموماً نام بیشتر رساله‌ها و کتابها به موضوع آنها نزدیک است و یک فهرست هرچند ساده باشد و تنها سیاهه‌ای از نام کتابها را دربرگیرد بازهم بسیاری از تاریکیهای تاریخ علم را مرتفع می‌سازد^(۲۵).

فهرستهای مبتنی بر عنوان

گرچه تاریخ بکار بردن کشف اللغات، کشف المطالب، کشف الایات، فهرست آیات و احادیث در ایران سابقه‌ای چند صد ساله دارد، اما این روش در کشورهای غربی از قرن ۱۹ و در ایران از ۱۳۴۵ کاربرد وسیع یافت و منجر به تدوین دستورالعملها و قواعد مختلف گردید. تهیه فهرست براساس واژه‌های کلیدی در کتابخانه‌های آلمان و مناطق آلمانی زبان هلند، اسپانیا و سوئد دیرزمانی است که رواج یافته است. اولین بار در سال ۱۹۵۸ هانس پیتر لوهن^(۲۶) به فکر افتاد واژه‌های کلیدی عنوان را به کمک ماشینهای حسابگر استخراج نماید. هدف اصلی این روش صرفه‌جویی در وقت و تسریع در کار تهیه فهرست موضوعی بود. او در سال ۱۹۵۹ گزارشی در خصوص «نمایه‌گردان برای مطالب فنی»^(۲۷) منتشر ساخت و تهیه نمایه‌ای مبتنی بر واژه‌های عنوان و قابل تهیه با ماشین را پیشنهاد نمود. در فهرست لوهن که با نام کوئیک معروف است هر واژه مهم عنوان یک معرف موضوعی محسوب می‌شود^(۲۸). پس از آن از سالهای ۱۹۶۲ انواع نمایه‌گردان شناخته شد^(۲۹) و افرادی چون روهل^(۳۰)، پیپر^(۳۱)، براندنبرگ^(۳۲)، و برنارد^(۳۳) از کسانی بودند که ارزش و اهمیت عنوانها را در نمایه‌سازی مطرح نموده و مسئله بهبود وضع معنایی عنوان را پیش کشیدند. لین^(۳۴) در سال ۱۹۶۴ نتیجه مطالعات خود را که مبتنی بر

بکار بردن عنوانهای فنی و غیرفنی در نمایه‌گردان بود منتشر ساخت. به اعتقاد او عنوانهای فنی رساتر از عنوانهای غیرفنی هستند. جان م. سدانو^(۳۵) در مطالعه‌ی مشابهی به این نتیجه رسید که رشته‌های علمی و فنی را نباید از دیگر رشته‌های دانش بشری مستثنی دانست ولی لازم است در رشته‌های دیگر نیز عنوانهای گویا و رسا بوجود آید^(۳۶). بنابراین لازم است به جای پرهیز دادن خوانندگان از توجه به عنوان (به علت احتمال گمراه‌کنندگی آن) سعی شود چارچوبی جهت «عنوان معیار» تعریف شده و نویسندگان به اهمیت عنوان واقف گردند^(۳۷).

در طول سالهای مختلف نظریات فراوانی پیرامون ویژگیهای عنوان با این نیت ابراز شده است که بتوان از کلمات عنوان در نمایه‌سازی و تحلیل موضوع به ویژه در نظامهای ماشینی بهره گرفت. مارگریت فیشر^(۳۸) معتقد است در مورد همه رشته‌های غیر علمی و فنی می‌توان از عنوانها و یا قسمتهایی از آنها که مناسب نمایه‌گردان هستند استفاده کرد^(۳۹). بسیاری از مجلات معتبر دنیا اکنون یکی از شرایط قبولی مقاله را برابری مضمون عنوان با مضمون متن می‌دانند که به لحاظ: الف) انعکاس صورت مسأله در عنوان و ب) کاربرد عنوان در تهیه پایگاههای اطلاع‌رسانی موضوعی توسط ماشین است. یعنی در واقع مجموعه کلید واژه‌های مستخرج از عنوان بایستی گویای موضوع کلی مدرک باشد^(۴۰). پیش از بکارگیری روش کوئیک نیز عنوانها در زمینه‌هایی چون تاریخ و زیست‌شناسی تا حدودی اطلاعاتی بودند. در زمینه‌های علوم انسانی و هنر مطالعه کمتری درباره عنوانها انجام شده اما تحقیقی در مقالات به سه زبان انگلیسی، فرانسه و آلمانی انجام گرفت و نشان داد در یک زمان واحد بار معنایی عنوان مقالات در زبانهای ذکر شده تقریباً مساوی است^(۴۱).

اگرچه تعیین کلیدواژه‌های عنوان توسط ماشین، نیروی انسانی کمی می‌طلبد اما ممکن است پردازش اطلاعات با ماشین نسبت به تعیین توصیفگر با روش سنتی (دستی) هزینه بیشتری بطلبد علت این امر آن است که تعداد واژه‌های عنوان بیشتر از تعداد توصیفگرهای همان عنوان است^(۴۲).

در تحلیل ماشینی متون جهت نمایه‌سازی، برحسب اینکه کلمات اطلاعاتی در

کدامیک از بخشهای مدرک ظاهر شده باشند وضع و اهمیت خاصی می یابند مثلاً کلمه ای که در عنوان ظاهر می شود نسبت به کلمه ای که در متن می آید بار ارزشی بیشتری دارد^(۴۳). با این حال لازم است مطالعات بیشتری در خصوص عنوان انجام شود تا نمایه سازی نتیجه مطلوبتری داشته باشد. از عوامل عمده در تعیین عنوان هر اثری، دستاوردکاران تألیف و نشر آن می باشند که می توان از مؤلفین، مترجمین، ویراستاران و ناشران یاد کرد. اما این افراد جهت غنی سازی عنوان چه گامهایی باید بردارند؟ آیا به عنوانی که مؤلف برای اثرش می نویسد چقدر می توان اعتماد نمود؟ آیا صحیح است لیست کلمات بازدارنده جهت مؤلفین ارسال شود تا بتوانند براساس کلمات اطلاعاتی، عنوان بسازند^(۴۴).

کاتر^(۴۵) در این خصوص در مجموعه قوانین فهرست فرهنگی، قانون ۱۷۲ را آورده و اظهار می دارد: «کتاب را تحت کلمه ای بیاورید که به بهترین وجه موضوع آنرا بیان می کند، خواه این کلمه در عنوان باشد یا خیر»^(۴۶). اما نباید از نظر دور داشت که میزان موفقیت بازبایی از طریق کلیدواژه های عنوان، مستقیماً تحت تأثیر واژگان انتخابی مؤلفین مختلف می باشد که گاهی نیز متناقض هستند^(۴۷).

هرنر^(۴۸) پیشگویی می کند اگر نویسندگان از شیوه های نمایه سازی و چگونگی ذخیره و بازبایی آثارشان آگاه شوند علاقمند خواهند شد که نوشته های خود را با واژگان بازبایی تطبیق دهند. جهت نوشتن عنوان اطلاعاتی، همکاری فعالانه مؤلف مورد نیاز است. همچنین ویرایشگر می تواند با راهنمایی و ارائه دستورالعمل به مؤلف در بهتر شدن کیفیت عنوان نقش داشته باشد. هرنر همچنین رهنمودهایی را برای چگونگی تدوین عنوان به مؤلف ارائه داده است^(۴۹).

علل اهمیت عنوان

اصولاً ارزش عنوان در چیست و چه اهمیتی موجب گشته که عنوان تا این حد مورد توجه قرار گیرد؟ ذکر نکاتی در مورد کاربردهای عنوان شاید پاسخی به این سؤالات باشد:

الف - اگر عنوان کتاب مبین محتوای آن باشد کار فهرست نویسی و رده بندی

تسهیل شده ضمن کاستن از زحمت کتابدار باعث افزایش کارایی او می‌شود.
 ب - جستجوگری که قصد استفاده از کتاب را دارد با دیدن عنوان آن (اگر به دقت و با صداقت انتخاب شده باشد) دریچه‌ای را در پیش رو دارد که او را به درستی به اصل کتاب راهنمایی می‌کند.

ج - تدوین کتابشناسی‌ها در اغلب موارد براساس فهرست برگه‌های کتابخانه‌ها انجام می‌شود و مسلّم است که عنوان گمراه‌کننده در واقع اطلاعات غلطی است که به کتابشناسی‌ها راه می‌یابد^(۵۰). بدیهی است در نظامهای ماشینی ذخیره و بازیابی اطلاعات که براساس عنوان کتاب و واژه‌های مندرج در آن صورت می‌پذیرد دقت در تنظیم عنوان اثر به امر بازیابی مدد می‌رساند و برعکس بی‌دقتی سبب اختلال در کار بازیابی می‌گردد^(۵۱).

با توجه به موارد یاد شده معلوم می‌شود زمانی که عنوانی با دقت کامل ویراستاری شده باشد نمایه‌ساز جهت ذخیره اطلاعات کمترین تغییر را در عنوان می‌دهد^(۵۲).

عنوان کتابهای فارسی
 در ایران گاه عنوان کتاب مکانتی برتر از سرشناسه بودن دارد و نام کتاب نام نویسنده را تحت الشعاع قرار می‌دهد و نویسنده علاوه بر نام خود به عنوان کتاب نیز خوانده می‌شود مثل: صاحب‌معالم، صاحب‌حدائق. گاهی نیز عنوان کتاب به نویسنده‌اش اسناد داده می‌شود، مانند شاهنامه فردوسی، گلستان سعدی^(۵۳). مصاحب نیز در تأیید اهمیت نام کتاب از علمایی یاد می‌کند که به عنوان صاحب معروفترین اثر خود شهرت یافته‌اند^(۵۴).

ظاهراً نویسندگان نیز برای نام‌گذاری آثارشان همواره اصولی را رعایت نموده و معیارهایی را در نظر داشته‌اند. نوشاهی در بررسی شیوه نام‌گذاری کتابهای فارسی در شبه قاره آنها را به چند دسته تقسیم نموده: نام‌هایی که موضوع کتاب و نام نگارنده را در بردارد مثل طب اکبر (تألیف محمد اکبر ارزانی)؛ نام‌هایی که شامل موضوع کتاب و نام کسی است که کتاب به او اهداء گشته مانند اخلاق جهانگیری

(که به جهانگیر شاه تقدیم شده)؛ نام‌هایی که با واژه‌هایی چون گل، بوستان، گلستان، بهار، روضه، فردوس، ... و از این قبیل ترکیب شده‌اند و تقریباً در اغلب موضوعها بکار رفته‌اند؛ نام‌هایی که با استفاده از کلماتی چون افضل، اشرف، افتخار، حسن، بدیع، زبده، مجمع، منتخب، نفایس، ... اشاره به درست و صحیح بودن کتاب دارند؛ گاهی نیز در عنوان کتاب اعداد بکار رفته؛ یا از کلماتی که معنای نور و روشنایی دارند استفاده شده؛ و یا گاه جهت اظهار فضل نامهای طولانی و سنگین (به‌خصوص در علم کلام) انتخاب گشته که در بسیاری موارد نام‌گذاری کتابهای فارسی به عربی بوده که این وجه تقریباً در تمام موضوعها رایج بوده است مثل دلیل الاحسان، قران السعدین و حتی شواهدی از کاربرد این شیوه بدون حرف عطف «ال» نیز در دست است همچون: تحایف قدسیه، دُر مکنون؛ از همه شایع‌تر الفاظی است که در نقش پیشوند یا پسوند با نام کتاب بکار رفته‌اند از آن جمله: ارشاد، اسرار، انیس، رفیق، زاد، فیض، کشف، کلید، مفتاح، منهاج، مونس، را می‌توان نام برد (۵۵).

نکاتی که ذکر شد فقط خاص کتابهای منتشره در شبه قاره نیست بلکه کتابهای چاپ ایران نیز کم و بیش وضعیت مشابهی داشته‌اند که نمونه‌هایی از آنها در اینجا ذکر می‌شوند: مفتاح الفنون (ذکر پیشوند مفتاح)؛ رساله در حکمت و آفرینش ستارگان، رساله‌المدنیه، رساله آبله کوبی، رساله نحو فارسی (ذکر کلمه رساله قبل از نام کتاب)؛ آفرینش نامه یا تذکرة الارض ناصریه، جواهرنامه یا احجار گرانها (کاربرد عنوان برابر) (۵۶).

وضعیت نشر کتاب در ایران براساس اطلاعات موجود در روزنامه تربیت در دوره دو ساله ۱۲۸۲ - ۱۲۸۳ (صفر ۱۳۲۱ تا محرم ۱۳۲۳ ق) موضوع مقاله‌ای است که ضمن تقسیم عنوانها براساس پراکندگی موضوعی، نمونه‌هایی از عنوانهای آن دوره را به دست می‌دهد: نام‌گذاری عربی: معیار الاشعار، کفایة‌التعلیم. عنوان برابر و توضیح در مورد عنوان: مملکت شمس طالع یا دولت ژاپن. عنوان نامفهوم و بی‌ارتباط با محتوا: چرا؟ به این جهت (۵۷).

از اینگونه نمونه در منابع فارسی همچون دایرة‌المعارف فارسی ذیل مدخل:

«کتاب» و فهرست کتابهای چاپی فارسی تألیف خانابابا مشار فراوان می‌توان یافت^(۵۸). در زمینه عنوانهای فارسی اخیرالانتشار نیز تاکنون چند مقاله منتشر شده که در آنها ویژگیها و چگونگی عنوانهای کتابها و مقالات فارسی مورد بررسی واقع شده‌اند.

تحلیل یافته‌ها:

پژوهش حاضر، چگونگی سازگاری موجود میان عنوانها و موضوعهای کتابهای فارسی را در حوزه علوم اسلامی مورد توجه قرار داده است. بدین منظور کتابهای فارسی که در فاصله سالهای ۱۳۶۵ - ۱۳۷۵ در ایران منتشر و در کتابشناسی ملی ایران فهرست شده بودند مورد توجه قرار گرفتند. از جامعه فوق آثار غیرفارسی، آثار کودکان و نوجوانان، آثاری که در فهرستنویسی بدانها موضوعی تعلق نگرفته همچون قرآن مجید حذف شده و نیز پس از تنظیم و ترتیب فهرستبرگه‌ها براساس نظام رده‌بندی دیویی این امکان فراهم گشت تا آثاری که چندین بار تجدید چاپ شده بودند فقط یک‌بار در شمارش لحاظ شوند. سپس ۲۵ درصد از مجموعه باقیمانده به صورت نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شد و مورد آزمون قرار گرفت. حاصل این کار مجموعه‌ای مشتمل بر ۱۱۰۳ عنوان کتاب در موضوعات گوناگون علوم اسلامی بود که جهت بررسی دقیق‌تر آنها نیز به حوزه‌های خاص‌تری به شرح زیر تقسیم شدند:

۱. قرآن و علوم قرآنی
۲. حدیث
۳. فقه و اصول
۴. کلام و عقاید
۵. فرق و مذاهب
۶. کلیات اسلام
۷. اخلاق اسلامی
۸. آداب و رسوم
۹. تصوف و عرفان و تاریخ و جغرافیا

از آنجا که قصد از این بررسی تعیین میزان سازگاری میان عنوان و موضوعهای متون اسلامی بود برای انواع گوناگون سازگاری میان دو متغیر فوق نشانه‌هایی به شرح زیر تعریف گردید:

کد یک: واژه‌های بکار رفته در سر عنوان موضوعی عیناً در عنوان کتاب موجود است، مانند: عنوان: «صدقه»، موضوع: «صدقه در اسلام».

کد دو: واژه‌های بکار رفته در سر عنوان اصطلاحاتی عام‌تر یا خاص‌تر از (مرتبط با) واژه‌های عنوان هستند و با ارجاع «نیز نگاه کنید به» یا «ن. ن.» مشخص شده‌اند، مانند: «جوانان» و «جوانان و اسلام».

کد سه: واژه‌های بکار رفته در سر عنوان کلمات یا عباراتی مترادف، متشابه، نزدیک و یا متضاد با واژه‌های عنوان هستند و کلمات عنوان با ارجاع «نگاه کنید به» یا «نک» با سر عنوانهای موضوعی مرتبط گشته‌اند، مانند: «چهل حدیث» نگاه کنید به «اربعینات».

کد چهار: واژه بکار رفته در سر عنوان موضوعی در عنوان اصلی نیست اما بخشهایی که توضیح دهنده عنوان هستند، مانند عنوان فرعی، عنوان روی جلد، عنوان اصلی، ... واژه‌های سرعنوان موضوعی را شامل می‌شوند، مانند: عنوان «جرعه‌ای از بیکران زمزم»، عنوان فرعی «پژوهشی پیرامون اسرار حج».

کد پنج: موضوعهایی که ارتباط آنها با واژه‌های عنوان توسط یادداشت دامنه و ارجاعهای کلی برقرار گشته و در واقع جستجوگر را به موضوعهای مشابه و مربوط راهنمایی می‌کند مانند: «غزوات»، هم‌چنین نام غزوات خاص را موضوع قرار دهید، مثل «غزوه بدر».

کد شش: موضوعهایی که به لحاظ شکل ارائه مطالب در کتاب و نحوه خاص سازمان دادن اطلاعات به کتاب داده می‌شوند و به محتوای آن اطلاعات توجهی ندارند، مانند: عنوان «دو جزء از قرآن مجید»، موضوع «قرآن - برگزیده‌ها».

کد هفت: هیچگونه رابطه‌ای میان عنوان و موضوع کتاب وجود ندارد، مانند: عنوان «هزار و یک کلمه» که موضوع «اسلام - مقاله‌ها و خطابه‌ها» را دارد.

سپس از هر فهرستبرگه تعداد موضوعها شمارش و موضوعها براساس کدهای تعریف شده با عنوان تطبیق داده شدند و نتایج بررسی طی چند جدول آتی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱. مقایسه حوزه‌های مختلف علوم اسلامی براساس تعداد موضوعهای دریافتی

جمع	تاریخ و جغرافیا	تصوف و عرفان	آداب و رسوم	اخلاق اسلامی	فروع و مذاهب کلیات اسلام	کلام و عقاید	فقه و اصول	حدیث	قرآن و مباحث قرآنی	حوزه‌ها	
										تعداد موضوعها	تعداد
۴۴۲	۱۲۶	۱۳	۲۲	۳۲	۳۴	۶۶	۷۹	۱۴	۵۶	تعداد	یک موضوع
۲۲	۲۸	۳	۵	۷	۸	۱۵	۱۸	۳	۱۳	درصد	
۹۲۶	۲۱۰	۴۴	۷۸	۸۸	۴۴	۱۸۰	۱۱۶	۳۶	۱۳۰	تعداد	دو موضوع
۴۶	۲۳	۵	۸	۹	۵	۱۹	۱۳	۴	۱۴	درصد	
۵۰۷	۶۹	۴۵	۳۹	۴۸	۳۰	۱۰۵	۳۳	۸۷	۵۱	تعداد	سه موضوع
۲۵	۱۴	۹	۸	۹	۶	۲۱	۶	۱۷	۱۰	درصد	
۱۰۴	۲۴	۸	۱۶	۴	-	۴۰	-	۴	۸	تعداد	چهار موضوع
۵	۲۳	۸	۱۵	۴	-	۳۸	-	۴	۸	درصد	
۱۰	-	-	-	-	-	۵	۵	-	-	تعداد	پنج موضوع
۰/۵	-	-	-	-	-	۵۰	۵۰	-	-	درصد	
۶	-	-	-	-	-	-	-	-	۶	تعداد	شش موضوع
۰/۳	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۰۰	درصد	
۱۹۹۵	۴۲۹	۱۱۰	۱۵۵	۱۷۲	۱۰۸	۳۹۶	۲۳۳	۱۴۱	۲۵۱	تعداد	جمع

آنچنانکه از جدول ۱ مشخص است به ۱۱۰۳ عنوان حوزه‌های اسلامی تعداد ۱۹۹۵ موضوع تعلق گرفته و میانگین تعداد موضوع برای هر عنوان کتاب به طور نسبی ۱/۸ یا معادل ۲ عدد است.

الف. کتابهای یک موضوعی: در موضوع یاد شده ۴۴۲ عنوان کتاب یک موضوع دریافت داشته‌اند این مقدار ۲۲ درصد کل موضوعات است و بیشترین میزان آن با رقم ۲۸ درصد به حوزه تاریخ و جغرافیا تعلق دارد. پس از آن کتابهای فقه و اصول ۱۸ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. کمترین تعداد کتابهای یک موضوعی به حوزه حدیث و تصوف و عرفان تعلق دارد که در مورد هر یک ۳ درصد است.

ب. کتابهای دو موضوعی: ۴۶ درصد کل موضوعات به ۴۶۳ عنوان کتاب با دو موضوع اختصاص یافته، در این ردیف نیز بیشترین میزان که ۲۳ درصد است به کتابهای تاریخ و جغرافیا تعلق گرفته و سپس حوزه کلام و عقاید ۱۹ درصد موضوعها را به خود اختصاص داده است، کمترین تعداد موضوعات نیز با رقم ۴ درصد به حوزه حدیث متعلق است.

ج. کتابهای سه موضوعی: ۱۶۹ عنوان کتاب با دریافت سه موضوع ۲۵ درصد موضوعات را شامل شده‌اند، از این میزان بیشترین مقدار که ۲۱ درصد است به حوزه کلام و عقاید تعلق دارد و پس از آن حوزه حدیث ۱۷ درصد این نوع موضوعها را شامل شده در حالیکه این حوزه از کتابهای یک و دو موضوعی کمترین سهم را داشت و در مقابل کتابهای فرق و مذاهب و نیز فقه و اصول از کتابهای سه موضوعی دارای کمترین سهم یعنی ۶ درصد هستند.

د. کتابهای چهار موضوعی: ۵ درصد از کل موضوعها به ۲۶ عنوان کتاب در این ردیف تعلق گرفته، از این میزان کتابهای کلام و عقاید ۳۸ درصد و تاریخ و جغرافیا ۲۳ درصد موضوعها را شامل می‌شوند، در حالیکه در حوزه‌های فقه و اصول و نیز فرق و مذاهب به هیچ کتابی چهار موضوع تعلق نگرفته است.

هـ. کتابهای پنج موضوعی: ۲ عنوان کتاب این تعداد موضوع دریافت نموده‌اند که

یک عنوان آن به حوزه فقه و اصول و دیگری به کلام و عقاید متعلق است. و. کتابهای شش موضوعی: یک عنوان کتاب در حوزه قرآن و علوم قرآنی به تعداد یاد شده موضوع دریافت داشته است که ۰/۳ درصد از کل موضوعها بوده و در واقع کتابهایی با بیش از ۵ موضوع کمتر از یک درصد (۰/۸) موضوعها را شامل می‌شوند، در حالیکه ۹۳ درصد موضوعها به کتابهایی با یک تا سه موضوع تعلق گرفته است.



۲. مقایسه حوزه‌های مختلف علوم اسلامی براساس نوع ارتباط موجود میان عنوانها و موضوعها

جمع	تاریخ و جغرافیا	تصوف و عرفان	آداب و رسوم	اخلاق اسلامی	مذاهب و فرق و کلیات اسلام	کلام و عقاید	فقه و اصول	حدیث	قرآن و مباحث قرآنی	حوزه‌ها		کدام
										تعداد	درصد	
۷۹۹	۱۹۵	۴۱	۵۶	۶۴	۴۲	۱۳۱	۱۲۸	۴۲	۱۰۰	تعداد	کد یک	
۴۰	۲۴	۵	۷	۸	۵	۱۶	۱۶	۵	۱۳	درصد	کد دو	
۱۰۳	۲۱	۳	۱۲	۹	۱	۳۲	-	۷	۱۸	تعداد	کد سه	
۵	۲۰	۳	۱۲	۹	۱	۳۱	-	۷	۱۷	درصد	کد چهار	
۳۶۱	۷۴	۷	۱۸	۲۵	۶	۹۴	۴۰	۳۷	۵۰	تعداد	کد پنج	
۱۸	۲۰	۲	۵	۱۰	۲	۲۶	۱۱	۱۰	۱۴	درصد	کد شش	
۲۰۵	۵۷	۱۸	۱۶	۷	۲۱	۲۷	۱۶	۱۷	۲۶	تعداد	کد هفت	
۱۰	۲۸	۹	۸	۳	۱۰	۱۳	۸	۸	۱۳	درصد	جمع	
۱۹	-	۱	۵	۳	۱	۵	-	۲	۲	تعداد	تعداد	
۱	-	۵	۲۶	۱۶	۵	۲۶	-	۱۱	۱۱	درصد	درصد	
۸۳	۳	۱۲	۳	۵	۱۰	۱۵	۵	۲	۲۸	تعداد	تعداد	
۴	۴	۱۴	۴	۶	۱۲	۱۸	۶	۲	۳۴	درصد	درصد	
۲۲۵	۷۹	۲۸	۴۵	۴۹	۲۷	۹۲	۴۴	۳۴	۲۷	تعداد	تعداد	
۲۱	۱۹	۷	۱۱	۱۲	۶	۲۱	۱۰	۸	۶	درصد	درصد	
۱۹۹۵	۴۲۹	۱۱۰	۱۵۵	۱۷۲	۱۰۸	۳۹۶	۲۳۳	۱۴۱	۲۵۱	تعداد	تعداد	
۱۰۰	۲۱	۵	۸	۹	۵	۲۰	۱۲	۷	۱۳	درصد	درصد	

الف. سازگاری کامل: مطابق جدول ۲ به طور میانگین ۴۰ درصد موضوعها در حوزه‌های علوم اسلامی از سازگاری کامل با عنوانها برخوردارند و در واقع صرفاً براساس عنوان می‌توان این موضوعها را تعیین نمود، بیشترین تعداد این نوع موضوعها یعنی ۲۴ درصد آن به کتابهای تاریخ و جغرافیا تعلق دارد و سپس حوزه‌های فقه و اصول و هم‌چنین کلام و عقاید ۱۶ درصد موضوعات با سازگاری کامل را به خود اختصاص داده‌اند، کمترین میزان این نوع ارتباط که ۵ درصد است به حوزه‌های حدیث، فرق و مذاهب، تصوف و عرفان تعلق دارد.

ب. سازگاری از طریق ارجاع «نیز نگاه کنید»: این نوع ارتباط کلاً ۵ درصد موضوعها را که ۱۰۳ موضوع است شامل می‌شود. کتابهای کلام و عقاید با شمول ۳۱ درصد بیشترین سهم را از این نوع ارتباط داشته‌اند، هم‌چنین کتابهای تاریخ و جغرافیا ۲۰ درصد و متون قرآنی ۱۷ درصد از آن بهره برده‌اند در حالیکه در حوزه فقه و اصول این ارتباط هیچ‌کاربردی نداشته و در زمینه فرق و مذاهب تنها ۱ درصد موضوعها با این ارجاع به دست آمده‌اند.

ج. سازگاری از طریق ارجاع «نگاه کنید به»: ۱۸ درصد موضوعها از طریق این ارجاع قابل دسترسی گشته‌اند. متون کلام و عقاید به میزان ۲۶ درصد و تاریخ و جغرافیا ۲۰ درصد از این ارجاع بهره گرفته‌اند در حالیکه موضوعات کتابهای مربوط به فرق و مذاهب و هم‌چنین تصوف و عرفان هرکدام معادل ۲ درصد از ارجاع فوق سهم داشته‌اند.

د. نقش توضیحات عنوان: توضیحات مرتبط با عنوان کتاب در تعیین ۱۰ درصد موضوعها نقش داشته‌اند، از آن میان بیشترین میزان استفاده که ۲۸ درصد است به کتابهای تاریخ و جغرافیا اختصاص دارد و متون قرآنی و کلام و عقاید هریک به میزان ۱۳ درصد از این توضیحات بهره گرفته‌اند، در حالیکه توضیحات عنوان در تعیین موضوع برای کتابهای اخلاق اسلامی فقط به میزان ۳ درصد نقش داشته‌اند. هـ. نقش یادداشتهای دامنه و توضیحات موضوع: این نوع توضیحات در تعیین

موضوعهای متون اسلامی فقط به میزان یک درصد نقش داشته‌اند، از این میزان کتابهای کلام و عقاید و همچنین آداب و رسوم اسلامی هرکدام معادل ۲۶ درصد بهره گرفته‌اند در حالیکه در حوزه‌هایی چون فقه و اصول و نیز تاریخ و جغرافیا یادداشتهای فوق هیچ تأثیری در تعیین موضوع نداشته‌اند.

و. تعیین موضوع به لحاظ شیوه خاص ارائه مطالب در کتاب: کلاً ۴ درصد موضوعها به دلیل یاد شده به کتابها تعلق گرفته‌اند، از این میزان بیشترین میزان که ۳۴ درصد است مربوط به متون قرآنی بوده و حوزه کلام و عقاید ۱۸ درصد آنها را شامل می‌شود در حالیکه متون حدیث با شمول ۲ درصد کمترین سهم را از موضوعات فوق دارند.

ز. عدم سازگاری: ۲۱ درصد موضوعهای تعیین شده برای کتابهای اسلامی هیچ نوع ارتباطی با عنوان آنها ندارند و در هیچ‌یک از گروههای یاد شده نگنجانده‌اند، در این میان بیشترین میزان موضوعات ناسازگار که ۲۱ درصد است به حوزه کلام و عقاید تعلق دارد و پس از آن متون تاریخ و جغرافیا از ۱۹ درصد موضوعات ناسازگار با عنوان برخوردارند، اما متون قرآنی و فرق و مذاهب هرکدام به میزان ۶ درصد از موضوعات یاد شده سهم داشته‌اند.

همانگونه که در تعریف نشانه‌ها مشخص شد کدهای دو، سه و پنج نمادی از بکارگیری ارجاعات موضوعی هستند بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با استفاده از توضیحات عنوان (کد چهار)، ارجاعات موضوعی و یا سازگاری کامل (کد یک) به‌رحال می‌توان به موضوع کتاب دسترسی پیدا کرد و مجموع این پنج کد را سازگاری عام نامید که نتیجه در جدول زیر خلاصه می‌شود:

۳. مقایسه انواع مختلف سازگاری در حوزه‌های گوناگون

جمع	تاریخ و جغرافیا	تصوف و صرفان	آداب و رسوم	اخلاق اسلامی	مذاهب و فرق اسلام	کلام و عقاید	فقه و اصول	حدیث	قرآن و مباحث قرآنی	حوزه‌ها	
										نوع ارتباط	تعداد
۷۹۹	۱۹۵	۴۱	۵۶	۶۴	۴۲	۱۳۱	۱۲۸	۴۲	۱۰۰	تعداد	سازگاری کامل
۴۰	۲۴	۵	۷	۸	۵	۱۶	۱۶	۵	۱۳	درصد	تعداد
۲۰۵	۵۷	۱۸	۱۶	۷	۲۱	۲۷	۱۶	۱۷	۲۶	تعداد	نقش توضیحات
۱۰	۲۸	۹	۸	۳	۱۰	۱۳	۸	۸	۱۳	درصد	نقش عنوان
۴۸۳	۹۵	۱۱	۳۵	۴۷	۸	۱۳۱	۴۰	۴۶	۷۰	تعداد	نقش ارجاعات
۲۴	۲۰	۲	۷	۱۰	۲	۲۷	۸	۱۰	۱۴	درصد	موضوعی
۱۴۸۷	۳۴۷	۷۰	۱۰۷	۱۱۸	۷۱	۲۸۹	۱۸۴	۱۰۵	۱۹۶	تعداد	سازگاری عام
۷۴	۲۳	۵	۷	۸	۵	۱۹	۱۲	۷	۱۳	درصد	تعداد

آنچنانکه مشاهده می‌شود ارجاعات موضوعی به طور میانگین در تعیین ۲۴ درصد موضوعات نقش داشته‌اند و بیشترین کاربرد آنها در حوزه کلام و عقاید با نسبت ۲۷ درصد و سپس در حوزه تاریخ و جغرافیا به میزان ۲۰ درصد بوده است، اما ارجاعات فوق در سازماندهی متونی چون فرق و مذاهب و نیز تصوف و عرفان بیش از ۲ درصد کاربرد نداشته‌اند.

همچنین براساس جدول ۳ می‌توان نتیجه گرفت میان عنوانها و موضوعات کتابهای اسلامی به طور نسبی ۷۴ درصد سازگاری برقرار است که بالاترین میزان آن در تاریخ و جغرافیا مشاهده می‌شود.

حال چنانچه وضعیت سازگاری در هریک از حوزه‌ها مورد بررسی قرارگیرد جدول زیر حاصل خواهد شد.



۴. وضعیت سازگاری عنوان و موضوع در هر یک از حوزه‌های علوم اسلامی

جمع	تاریخ و جغرافیا	عرفان و تصوف	آداب و رسوم	اخلاق اسلامی	کلیات اسلام و مباحث	کلام و عقاید	فقه و اصول	حدیث	تواتر و مباحث قرآنی	حوزه‌ها		نوع ارتباط
										تعداد	درصد	
۱۴۸۷	۳۴۷	۷۰	۱۰۷	۱۱۸	۷۱	۲۸۹	۱۸۴	۱۰۵	۱۹۶	تعداد	سازگاری عام	تعداد درصد
۷۴	۸۱	۶۴	۶۹	۶۹	۶۶	۷۳	۷۹	۷۴	۷۸	تعداد	سازگاری عام	
۸۳	۳	۱۲	۳	۵	۱۰	۱۵	۵	۲	۲۸	تعداد	تعیین موضوع به لحاظ شیوه ارائه مطالب	تعداد درصد
۴	۰/۷	۱۱	۲	۳	۹	۴	۲	۱	۱۱	تعداد	تعیین موضوع به لحاظ شیوه ارائه مطالب	
۲۲۵	۷۹	۲۸	۴۵	۴۹	۲۷	۹۲	۴۴	۳۴	۲۷	تعداد	علم سازگاری	تعداد درصد
۲۱	۱۸	۲۵	۲۹	۲۸	۲۵	۲۳	۱۹	۲۴	۱۱	تعداد	علم سازگاری	
۱۹۹۵	۴۲۹	۱۱۰	۱۵۵	۱۷۲	۱۰۸	۳۹۶	۲۳۳	۱۴۱	۲۵۱	تعداد	جمع	تعداد

همانگونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود میان عنوان و موضوع متون مربوط به تاریخ و جغرافیای اسلام به طور نسبی ۸۱ درصد سازگاری وجود دارد و کتابهای فقه و اصول دارای ۷۹ درصد سازگاری هستند و نیز کمترین میزان سازگاری که ۶۴ درصد است به حوزه تصوف و عرفان تعلق دارد، یعنی حتی در این حوزه نیز میان موضوعها و عنوانهای کتابها سازگاری مطلوبی برقرار است و تقریباً در تمام حوزه‌های علوم اسلامی برای پی بردن به موضوع کتاب می‌توان از عنوان آن بهره گرفت.

همچنین مشخص است که ۴ درصد موضوعها به لحاظ شیوه تنظیم مطالب به کتابها تعلق گرفته‌اند و پیام و محتوای اثر در تعیین اینگونه موضوعها نقشی نداشته‌اند، در این ردیف متون قرآنی و نیز تصوف و عرفان هریک به میزان ۱۱ درصد از موضوعات فوق بهره گرفته‌اند و کمترین استفاده از این موضوعات در متون حدیث و تاریخ و جغرافیای اسلام بوده است.

ردیف سوم جدول ۴ مشخص می‌کند که بهر حال ۲۱ درصد موضوعهای علوم دینی هیچ نوع سازگاری و پیوندی با عنوان کتابها ندارند و بیشترین میزان ناسازگاری که ۲۹ درصد است به کتابهای آداب و رسوم اسلامی متعلق بوده و پس از آن متون اخلاق اسلامی شامل ۲۸ درصد موضوعهای ناسازگار است، اما کمترین میزان ناسازگاری که ۱۱ درصد است به متون قرآن و علوم قرآنی تعلق دارد.

نتیجه گیری و پیشنهادها:

گردآوری و تحلیل اطلاعات جداول پیشین نتایج زیر را حاصل می کند:

۵. حوزه های مختلف علوم اسلامی به ترتیب میزان سازگاری

حوزه ها نوع سازگاری (درصد)	تاریخ و جغرافیا	فقه و اصول	قرآن و مباحث قرآنی	حدیث	کلام و عقاید	اخلاق اسلامی	آداب و رسوم	فروق و مذاهب، کلیات	تصوف و عرفان
سازگاری عام	۸۱	۷۹	۷۸	۷۲	۷۳	۶۹	۶۹	۶۶	۶۴
سازگاری کامل	۴۵	۵۵	۴۰	۳۰	۳۳	۳۷	۳۶	۳۹	۳۷
نقش توضیحات عنوان	۱۳	۷	۱۰	۱۲	۷	۴	۱۰	۱۹	۱۶
ارجاعات موضوعی	۲۲	۱۷	۲۸	۳۳	۳۳	۲۷	۲۳	۸	۱۰
موضوعات شکلی	۱	۲	۱۱	۱	۴	۳	۲	۹	۱۱
عدم سازگاری	۱۸	۱۹	۱۱	۲۴	۲۳	۲۸	۲۹	۲۵	۲۵

بر اساس یافته های جدول ۵ میزان سازگاری کامل در حوزه علوم اسلامی به طور میانگین ۴۰ درصد است یعنی از طریق عنوان می توان به ۴۰ درصد موضوعها پی برد اما استفاده کننده منابع اطلاعاتی در ۶۰ درصد موضوعها نیازمند بهره گیری از مجاری دیگر است. در این میان متون فقه و اصول بیشترین عنوانهای سازگار با موضوع (۵۵ درصد) را دارند و متون حدیث از این لحاظ در کمترین مرتبه (۳۰ درصد) قرار دارند. اما در مواردی که میزان سازگاری عنوان و موضوع قابل ملاحظه نیست وجود عوامل دیگری چون توضیحات عنوان و ارجاعات موضوعی می تواند تا حدودی در جهت رفع نقیصه یاد شده موثر باشند.

الف. نقش توضیحات عنوان: در متون اسلامی ۱۰ درصد موضوعها با کمک یادداشتهای عنوان به آن مربوط شده‌اند. بیشترین میزان کاربرد این منبع اطلاعاتی که ۱۹ درصد است در متون فرق و مذاهب و کلیات اسلام بوده و سپس کتابهای تصوف و عرفان به میزان ۱۶ درصد از ابزار فوق بهره برده‌اند، اما در مباحثی چون اخلاق اسلامی توضیحات عنوان فقط در تعیین ۴ درصد موضوعها مؤثر بوده‌اند و این در حالی است که در حوزه‌ای چون اخلاق اسلامی میزان عدم سازگاری ۲۸ درصد یعنی تقریباً بیشترین میزان ناسازگاری بوده است و همچنین مشخص است که تدوین عنوان فرعی برای متون این حوزه تا چه حد می‌تواند در افزایش سازگاری مؤثر باشد، ذکر چند نمونه از عنوانهای کتابهای اخلاق اسلامی اهمیت امر فوق را آشکارتر می‌سازد: لبخند ابدیت؛ مناظره زبان و اندامها؛ عوامل سعادت و هلاکت؛ رساله شریفه پند صالح. و حتی در چاپ کتاب مشهوری چون «حلیة المتقین» برخورداردی دوگانه به چشم می‌خورد زیرا در برخی موارد این کتاب فقط با عنوان یاد شده به چاپ رسیده و گاه نیز عنوان فرعی «در آداب و سنن اسلامی و اخلاق و دستورات شرع مطهر نبوی (ع)» بدان افزوده گشته که ناگفته پیداست صورت اخیر کاملاً معرف محتوای اثر است. بدین ترتیب به مؤلفان، ناشران و ویراستاران پیشنهاد می‌شود در صورتی که عنوان کتاب مبین موضوع آن نیست با افزودن عنوان فرعی که شامل کلمات اطلاعاتی و گویای محتوای کتاب باشد می‌توانند در سازماندهی، بازیابی و اشاعه اطلاعات سهم عمده‌ای به عهده گیرند. به خصوص در عصر حاضر که به لحاظ حجم فزاینده انتشارات به عصر اطلاعات شهرت یافته و مسئله اساسی انتقال اطلاعات سرعت و صحت در آنست، بنابراین امروزه کاربرد رایانه در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی بسیار رایج گشته تدوین دقیق عنوان جهت انتقال سریع و صحیح اطلاعات اهمیت بارزتری یافته است.

ب. نقش ارجاعات موضوعی: این گونه ارجاعات به طور میانگین در تعیین ۲۴ درصد موضوعها نقش داشته‌اند، بیشترین میزان کاربرد آنها با رقم ۳۳ درصد متعلق

به متون حدیث و کلام و عقاید بوده در حالیکه در حوزه‌هایی چون فرق و مذاهب و تصوف و عرفان این نوع ارجاع، کاربردی کمتر از ۱۰ درصد داشته است، با کمی دقت به جدول ۵ مشخص می‌شود که میان موضوعها و عنوانهای دو حوزه اخیر کمترین میزان سازگاری عام (حدود ۶۵ درصد) برقرار است در صورتیکه در حوزه‌هایی چون حدیث و کلام و عقاید که از سازگاری کامل به میزان ۳۰ و ۳۳ درصد بهره برده‌اند استفاده مناسب از ارجاعات موضوعی (۳۳ درصد)، میزان سازگاری عام را به ۷۴ و ۷۳ درصد ارتقا داده است. براساس ملاحظات فوق تدوین‌کنندگان سرعنوانهای موضوعی با تدارک ارجاعات بیشتر می‌توانند ارتباط مؤثرتری میان مفاهیم و واژه‌ها برقرار ساخته و کتابداران را در یافتن موضوعهای مناسب‌تری یاری رسانند، هم‌چنین به کتابداران و فهرست‌نویسان توصیه می‌شود در امر تعیین موضوع به ارجاعها، یادداشتها و توضیحات سرعنوان موضوعی توجه و دقت کافی مبذول داشته و از این ابزار کارآمد بهره مناسب و درخور ببرند.

جدول فوق نشانگر این واقعیت است که با کاربرد تمهیدات یاد شده میزان سازگاری افزایش مطلوبی یافته و در متون اسلامی حداقل ۶۴ درصد و حداکثر ۸۱ درصد سازگاری میان موضوعها و عنوانها برقرار است و به این ترتیب می‌توان از واژه‌های عناوین جهت پی بردن به موضوع کتابها بهره گرفت، البته در صورتی که توصیه‌های فوق مطمح نظر قرار گیرند درصد سازگاری به میزان قابل قبول‌تری افزایش خواهد یافت زیرا پدیده‌آورنده با تدوین عنوان صریح و گویا و کتابدار با صرف کمترین زمان و هزینه در تعیین موضوع، می‌توانند پیام (اطلاعات کتاب) را به شکلی صریح‌تر و در زمانی کوتاه‌تر به گیرنده آن انتقال دهند.

پانوشته‌ها

۱. جان م. کرایست، مبانی فلسفه کتابداری آموزشی. ترجمه اسدالله آزاد (مشهد: آستان قدس رضوی، موسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۵۶)، ص ۲۶ - ۲۷.
۲. عباس حری، مروری بر اطلاعات و اطلاع‌رسانی (تهران: دبیرخانه هیات امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، نشر کتابخانه، ۱۳۷۲)، ص ۶۳ - ۶۶.
3. John M. Christ. *Concepts and Subject Headings: Their Relation in Information Retrieval and Library Science* (Metuchen: Scarecrow Press, 1972), p. 22
4. Ibid, PP. 19 - 20
5. B.C. Vickery. *Techniques of Information Retrieval* (London: Butterworths, 1970), p. 37
6. Bernard Lorenz, "The Suitability of Book and Article Titles for Subject Cataloguing", *DFW*. Vol. 29 (5, Sept. - Oct. 1981), pp. 119 - 120 [German/ Abstract].
7. International Organization for Standardization (ISO)
8. John Farrow. "Indexing as a Cognitive Process". in *Encyclopedia of Library and Information Science*, Executive Editor: Allen Kent (New York: Marcel Dekker, 1994), Vol. 53, p. 158.
9. Diane Nahl Jakobovits, Leon A. Jakobovits, "Teaching the Analysis of Titles: Dependent and Independent Variables in Research Articles" *Research Strategies*, Vol. 5(4,1987), PP.169-170.
۱۰. بل استابلتون. شیوه نوشتن مقالات تحقیقی. مترجمان محمدرضا نایینیان، محمد آرمنند (تهران: دانشگاه شاهد، ۱۳۷۴)، ص ۱۰ - ۱۳.
11. Marcia J. Bates, "Rethinking Subject Cataloging in the online Environment", *Library Resources & Technical Services*, Vol.33 (Oct.1989), p. 403
12. B.C. Vickery, *Techniques...*, PP. 37; 59; 76.
13. Jacques J. Tocatlion. "Are Title of Chemical Papers becoming more Informative?" *Journal of the American Society for Information Science*, (Sept. - Oct. 1970), p. 346.
14. Mary Piggott. *A Topography of Cataloguing: Showing the most Information Landmarks, Communications and Perilous Places* (London: Library Association, 1988), p. 141.

۱۵. عباس حرّی، مروری بر اطلاعات ...، ص. ۱۷۸.
۱۶. پل استاپلتون، ص ۳۷.
۱۷. محمد اسفندیاری، «عنوان کتاب و آئین انتخاب آن»، آینه پژوهش، ۱ (ش ۲، مرداد و شهریور ۱۳۶۹)، ص ۱۰.
۱۸. هوشنگ ابرامی، شناختی از دانش شناسی (تهران: انجمن کتابداران ایران، ۱۳۵۶)، ص ۱۲۲.
19. John Metcalfe
۲۰. همان، ص ۲۸.
21. Catchword indexing
۲۲. همان، ص ۲۰
23. Panizzi
۲۴. هوشنگ ابرامی، اصول تدوین فهرست موضوعی در نوشته های زبان فارسی (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۳)، ص ۲۱.
۲۵. علینقی منزوی «تاریخ فهرست نگاری در ایران»، کرانه: فصلنامه کتاب، کتابخانه، کتابداری و اطلاع رسانی، سال اول (شماره اول، بهار ۱۳۷۳)، ص ۱۸.
26. Hans Peter Luhn
27. Key Word in Context for Technical Literature.
۲۸. هوشنگ ابرامی، اصول تدوین فهرست ...، ص ۲۳.
۲۹. آنوش آزادیان، نمایه سازی گردان (*Kwic Indexing*) و برخی مشکلات آن در زبان فارسی (پایان نامه فوق لیسانس کتابداری، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲)، ص ۲ - ۴.
30. Mary Jane Ruhl
31. Lawrence Papier
32. Walter Brandenburg
33. Jessie Bernard
34. B.B. Lane
35. John M. Sedano
۳۶. آنوش آزادیان، ص ۶.
۳۷. محمد اسفندیاری، ص ۱۱۵.

38. Marguerite Fischer

۳۹. آنوش آزادیان، ص ۷.

۴۰. عباس حری، *مروری بر اطلاعات*، ص ۱۷۹.

41. A.B. Buxton, A.J. Meadows, "The Variation in the Information Content of Titles of Research Papers with time and Discipline, "Journal of Documentation", 33 (No. 1, Mar. 1977), p. 49

42. Michael A. Shephered; W.J. Phillips; T. Lui, "Overlap of Title Key Words and Assigned Descriptors in the o.oN Database", *The Canadian Journal of Information Science*, 12 (No. 1, 1987), p. 59.

43. Harold Borko, Charles L. Bernier, "*Indexing Concepts and Methods* (New York: Academic press, 1978), p. 116

44. Hilda Feinberg, "*Title derivative indexing techniques*" (Metuchen: Scarecrow press, 1973), p. 209.

45. Cutter

۴۶. هوشنگ ابرامی، *اصول تدوین فهرست* ...، ص ۲۲.

47. Michael A. Shephered, p. 59

48. Herner

49. Hilda Feinberg, p.43.

۵۰. محمد اسفندیاری، ص ۳۴۲.

۵۱. ابراهیم افشار زنجانی. «صفحه عنوان و صفحه حقوق: توصیه‌هایی به ویراستاران»، در *درباره ویرایش*:

برگزیده مقاله‌های نشر دانش، زیر نظر نصرالله پورجوادی. ویرایش ۲. (مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳)، ص ۲۱۷.

52. J.E. Armitage and others, "Experimental use of a Program for Computer Aided Subject Index Production", *Information Storage and Retrieval*, Vol. 6 (1970), pp. 79 - 87.

۵۳. محمد اسفندیاری، ص ۲۲۵.

۵۴. «مصاحب»، *دایرةالمعارف فارسی*، ج ۲، بخش ۲، ص ۱۵۴۶ - ۱۵۴۸.

۵۵. عارف نوشاهی، «نام‌گذاری کتابهای فارسی در شبه فاره»، ترجمه جلال حسینی، *کتابداری*، دفتر شانزدهم

(فروردین ۱۳۶۹)، ص ۹۳ - ۹۹.

۵۶. محمدتقی دانش‌پژوه، «نخستین کتابهای فلسفی و علوم جدید در ایران»، نشر دانش، سال ۲ (شماره ۲، بهمن و اسفند ۱۳۶۰)، ص ۸۸ - ۱۰۱.

۵۷. حسین معصومی همدانی، «کتاب در هشتاد سال پیش»، نشر دانش، دوره ۴ (شماره ۴، خرداد و تیر ۱۳۶۳)، ص ۵ - ۱۹.

۵۸. فهرست کتابهای چاپی فارسی از آغاز تا ۱۳۴۵؛ براساس فهرست خانابا مشار و فهارس انجمن کتاب (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲)، ج ۲.



منابع:

۱. آزادیان، آنوش. «نمایه‌سازی گردان (Kwic Indexing) و برخی از مشکلات آن در زبان فارسی». پایان‌نامه فوق لیسانس کتابداری، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.
۲. ابرامی، هوشنگ. اصول تدوین فهرست موضوعی در نوشته‌های زبان فارسی. پایان‌نامه دکترای کتابداری، دانشگاه پیتسبورگ (امریکا)، ۱۳۴۹. (انگلیسی)؛ متن فارسی این اثر در سال ۱۳۵۳ توسط دانشگاه تهران به چاپ رسید.
۳. _____ . شناختی از دانش‌شناسی. تهران: انجمن کتابداران ایران، ۱۳۵۶.
۴. استاپلتون، پل. شیوه نوشتن مقالات تحقیقی. مترجمان محمدرضا ناینیان، محمد آرمنند. تهران: دانشگاه شاهد، ۱۳۷۴.
۵. اسفندیاری، محمد. «عنوان کتاب و آئین انتخاب آن». آینه پژوهش، دوره ۱ (ش ۲، مرداد و شهریور ۱۳۶۹)، ص. ۱۰۸ - ۱۲۰؛ دوره ۱ (ش ۳، مهر و آبان ۱۳۶۹)، ص. ۲۲۴ - ۲۳۴؛ دوره ۱ (ش ۴، آذر و دی ۱۳۶۹)، ص. ۳۳۳ - ۳۴۶.
۶. افشار زنجانی، ابراهیم. «صفحه عنوان و صفحه حقوق: توصیه‌هایی به ویراستاران»، در درباره ویرایش: برگزیده مقاله‌های نشر دانش. زیر نظر نصرالله پورجوادی. ویرایش ۲. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳، ص. ۲۱۶ - ۲۳۲.
۷. حری، عباس. مروری بر اطلاعات و اطلاع‌رسانی. تهران: دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، نشر کتابخانه، ۱۳۷۲. *کتابخانه ملی و مطالعات فرهنگی*
۸. دانش پژوه، محمدتقی. «نخستین کتابهای فلسفه و علوم جدید در ایران». نشر دانش، سال ۲ (شماره ۲، بهمن و اسفند ۱۳۶۰)، ص. ۸۸ - ۱۰۱.
۹. «مصاحب». دایرةالمعارف فارسی، ج ۲، بخش ۲، ص. ۱۵۴۶ - ۱۵۴۸.
۱۰. کرایست، جان. م. مبانی فلسفه کتابداری آموزشی. ترجمه اسدالله آزاد. مشهد: آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۵۶.
۱۱. معصومی همدانی، حسین. «کتاب در هشتاد سال پیش». نشر دانش، دوره ۴ (ش ۴، خرداد و تیر ۱۳۶۳)، ص. ۵ - ۱۹.
۱۲. منزوی، علینقی. «تاریخ فهرست‌نگاری در ایران». کوانه: فصلنامه کتاب، کتابخانه، کتابداری و اطلاع‌رسانی. سال اول (شماره اول، بهار ۱۳۷۳)، ص. ۱۷ - ۴۷.
۱۳. نوشاهی، عارف. «نامگذاری کتابهای فارسی در شبه قاره». ترجمه جلال حسینی. کتابداری. دفتر شانزدهم، فروردین ۱۳۶۹، ص. ۹۳ - ۹۹.

14. Armitage, J.E. and others. "Experimental use of a program for computer aided Subject index production", *Information storage and Retrieval*, vol, 6(1970), pp. 79-87.
15. Bates, Marcia J. "Rethinking subject cataloging in the online environment". *Library Resources & Technical Services*, Vol. 33 (Oct. 1989), pp.400 - 412.
16. Buxton, A.B.; Meadows, A.J. "The variation in the information content of titles of research papers with time and discipline". *Journal of Documentation*, Vol. 33 (No. 1, Mar. 1977), pp.46 - 52.
17. Christ, John M. *Concepts and subject headings: their relation in information retrieval and library science*. Metuchen: Scarecrow Press, 1972.
18. Farrow, John. "*Indexing as a cognitive Process*" in Encyclopedia of Library and Information Science. Executive Editor: Allen Kent. New York: Marcel Dekker. 1994, Vol. 53, pp.155 - 171.
19. Feinberg, Hilda. *Title derivative indexing techniques*. Metuchen: Scarecrow press, 1973.
20. Foskett, A.C. *The Subject approach to information*. London: Clive Bingley, 1982.
21. Jakobovits, Diane Nahl; Jakobovits, Leon A. "Teaching the analysis of titles: dependent and independent variables in research articles". *Research Strategies*, Vol. 5 (4, 1987), pp.164 - 171.
22. Lorenz, Bernard. "*The Suitability of book and article titles for subject cataloguing*". DFW. Vol. 29 (5, Sept - Oct. 1981), pp.119 - 120. [Abstract/ German].
23. Piggott, Mary. *A Topography of cataloguing; showing the most important landmarks, communications, and perilous places*. London: Library Association, 1988.

24. Shepherd, Michael A.; Phillips, W.J.; Lui, T. "Overlap of title keywords and assigned descriptors in the .O.O.N. database". *The Canadian Journal of Information Science*. Vol. 12 (No. 1, 1987), pp.58 - 66.
25. Tocatljan Jacques J. "Are titles of chemical papers becoming more informative?" *Journal of the American Society for Information Science*, (Sept - Oct. 1970), pp.345 - 350.
26. Vickery, B.C. *Techniques of Information Retrieval*. London: Butterworths, 1970.

